

عوامل تعیین کننده در واردات ایران

نویسنده: دکتر محمدقلی یوسفی

چکیده

هدف ما در این مطالعه، پژوهش در باره عوامل تعیین کننده در واردات ایران است. تأثیر ظرفیت وارداتی را به عنوان متغیر جانشین برای سیاست واردات در نظر گرفته ایم و تأثیر متغیرهای دیگری از قبیل قیمت‌های نسبی، سطح درآمد و محصولات صنعتی بر روی واردات را بررسی کرده ایم. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد در حالی که متغیرهای محصول ناخالص داخلی و توان وارداتی، بیشترین تأثیر را بر واردات کشور داشته است، تأثیر قیمت‌های نسبی، تقریباً ضعیف بوده است، و این یافته‌ها، فرضیه ما، مبنی بر اینکه توان وارداتی از طریق تأثیرگذاری بر سیاست‌های وارداتی دولت بر محصولات صنعتی تأثیر منفی و بر واردات صنعتی تأثیر مثبت گذاشته است را تأیید می‌نماید.

۱. مقدمه

تجارت خارجی، شامل دو بخش واردات و صادرات است، در حالی که معمولاً در محاسبات درآمد ملی، صادرات بر آن می‌افزاید و واردات از آن می‌کاهد. اگرچه ممکن است در فرایند توسعه، واردات از نظر قدر مطلق کاهش نیابد، اما احتمال دارد که ترکیب واردات تغییر نماید، به ویژه، به این جهت که کشورها با اتخاذ رویکردهای جایگزینی واردات و جهتگیری معطوف به صادرات، می‌کوشند که محصولات ساخت داخل را افزایش دهند.^۲

● عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

۱. برای توضیح بیشتر در این مورد، نگاه کنید به: J.Ahmad, 1976 and 1978.

۲. برای ارزیابی عملکرد این دورویکرد در اقتصاد ایران، نگاه کنید به: Yousefi, 1994.

پیتر الکین^۱، می‌گوید که واردات کالاهای ساخته شده صنعتی می‌تواند تأثیر مطلوبی در بالابردن بهره‌وری صنایع داشته باشد، اما در مورد اینکه عوامل تعیین‌کننده واردات کدامند، باید گفت که در هر کشوری متغیرهای متفاوتی می‌تواند بر واردات تأثیر بگذارد و حجم و ترکیب آن را تعیین نماید. در ایران، نفت از بدو پیدایش آن در اوایل قرن بیستم، اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده است. درآمد نفت، منبع اصلی دریافت‌های دولت، بخش مهمی از محصول ناخالص داخلی و مهمترین منبع دریافت‌های ارزی کشور بوده است.^۲ با اهمیت یافتن نفت به عنوان نیروی محرک رشد و توسعه اقتصادی، صادرات نفت تأثیر مهمی بر رشد و تغییرات ساختاری تجارت خارجی داشته است. در طول سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی، صادرات ایران، سالانه ۱۲/۶ درصد رشد داشت، که در پی آن، واردات نیز با همان نرخ رشد افزایش یافت. در طول سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۰، زمانی که صادرات سالانه ۲۳/۲ درصد افزایش یافت، واردات نیز سالانه ۲۶/۱ درصد رشد داشت. وقتی که در طول دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰، از رشد صادرات، سالانه ۱/۷ درصد کاسته شد، واردات نیز تقریباً به همان اندازه (سالانه ۱/۸ درصد) کاهش یافت.^۳

از نظر قدر مطلق، کل صادرات ایران، از ۱۳۰۳ میلیون دلار در سال ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۴ شمسی)، به ۲۰۱۱۴/۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ شمسی) افزایش یافت، یعنی در طول این مدت تقریباً ۱۸ برابر گردید. واردات نیز از ۸۶۰ میلیون دلار، به ۱۱۸۶/۴ میلیون، یعنی تقریباً بیشتر از ۱۳ برابر گردید. افزایش صادرات تأثیر شایانی بر تقاضای داخل برای واردات گذاشته است، زیرا اقتصاد داخلی، توان پاسخگویی به این تقاضای رشد یابنده را نداشت، و همراه با افزایش درآمد نفت، واردات نیز افزایش یافت. جدول ۱، نشان می‌دهد که اگرچه قدر مطلق واردات و صادرات تغییر کرده است، اما تغییر محسوسی در ترکیب تجاری دیده نمی‌شود. در این مدت، صادرات نفت بیشترین سهم را در کل صادرات، و کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در کل واردات کشور داشته است. هدف این مقاله، پژوهش در باره عوامل تعیین‌کننده واردات ایران است. بخش بعدی مقاله، روش‌شناسی و منابع آماری را ارائه می‌دهد. بخش سوم، یافته‌های تجربی را تحلیل می‌نماید، و در بخش آخر، نتیجه‌گیری بحث و تحلیل کلی یافته‌ها و همچنین استنباطات کلی این مطالعه ارائه می‌گردد.

۱. نگاه کنید به: Peter Elkin, 1985.

۲. برای توضیح بیشتر نقش نفت در اقتصاد ایران و رابطه آن با سایر بخشها، نگاه کنید به: Yousefi, 1995.

۳. نگاه کنید به: UNCTAD (1992). *Handbook of International Trade and Development Statistics*.

جدول ۱. ترکیب تجاری ایران در طول سالهای ۱۳۴۴-۱۳۶۹

* ارقام داخل دوکمان مربوط به کدهای طبقه‌بندی بین‌المللی استاندارد (SITC) می‌باشند.

مآخذ: UNCTAD. *Handbook of International Trade and Development Statistics* (Various Issues).

گزارشهای مختلف سالانه و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲. روش شناسی

تابع تقاضای واردات استاندارد بیان می‌دارد که مقدار تقاضای واردات برای هر کالای خاصی، بستگی به سطح درآمد، قیمت واردات و قیمت محصولات مشابه داخلی دارد.^۱ یعنی معمولاً تابع زیرمورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$M_t = f(Y, P_t^m / P_t^d) \quad (1)$$

$$f_1 < 0, f_2 < 0$$

که در معادله فوق، M مقدار تقاضای وارداتی، Y_t درآمد واقعی یا مشخصتر متغیر فعالیت اقتصادی است که تقاضای واردات را ایجاد می‌کند. P_t^m سطح قیمت واردات و P_t^d سطح قیمت داخلی است. تمام متغیرها برای یک زمان معین (t) تعیین گردیده‌اند. معادله فوق، در اغلب مطالعات، برای تخمین تابع واردات در کشورهای توسعه یافته و

1. Edward E. Leamer, and Robert M. Stern (1970), *Quantitative International Economics*. Boston, Allyn and Bacon, Stephen P. Magee, Price, Income and Foreign Trade in Peter B. Kenen (ed) (1975), *International Trade and Finance: Frontier For Research*. Cambridge University Press 1975.

توسعه‌نیافته مورد استفاده قرار گرفته است. براساس این فرضیه که متغیر قیمت، نقش مهمی در تعیین تقاضای واردات ایفا می‌کند، مطالعات خان (Khan, 1974)، ویسکف (Weisskoff, 1979)، صالحی اصفهانی (Salehi-Isfahani, 1988)، بیسواس و رام (Biswas and Ram, 1980)، هوتاکار و مگی (Houthakkar and Magee, 1969)، سالاس (Salas, 1982)، ملو و وگوت (Melo and Vogot, 1988)، سود و صدرالاشرفی (Sud and Sadrolashrafi, 1979-80)، مرواح (Marwah, 1972)، شارما (Sharma, 1975)، سرمد (Sarmad, 1980) و افراد دیگری این متغیر را وارد تابع تقاضای واردات نمودند. اما کسان دیگری که بر این عقیده‌اند که عوامل غیربازاری، در واردات کشورهای در حال توسعه، نقش تعیین‌کننده دارند، این متغیر را از تخمین تابع واردات خود حذف کردند. بدین ترتیب، صاحب‌نظرانی، از قبیل داتا (Dutta, 1965)، مورتی و ساستری (Murti and Maizles, 1951)، چنری و استروت (Chenery and Strout, 1966)، میزلز و ناراسیم‌هام (and Narasimham, 1975) معتقدند که واردات یا به این دلیل صورت می‌گیرد که تولید داخلی نمی‌تواند تقاضای داخلی را برآورده سازد یا به دلیل عوامل دیگری غیر از قیمت، از قبیل تفاوت در کیفیت به صورت واقعی یا ظاهری بین کالاهای وارداتی و کالاهای ساخت داخل است که واردات انجام می‌گیرد. بدین روی، گفته می‌شود که واردات نسبت به تغییر متغیر قیمت حساس نیست. اما در معادله فوق، تعدیل و واکنش متغیرهای توضیح‌دهنده واردات در معادله بدون هیچ‌گونه تأخیری فرض شده است، در حالی که در عمل، به سبب وجود هریک از این عوامل تعیین‌کننده، ممکن است واردات بی‌وقفه انجام نشود.

در تحقق واردات مورد انتظار، ممکن است که وقفه‌های شناختی^۱، وقفه‌های تصمیم‌گیری^۲ و وقفه‌های تحویلی^۳ (توزیعی)، وقفه‌های جایگزینی^۴ و همچنین وقفه‌های تولیدی^۵ به وجود آید. علاوه بر آن، تعدیل واردات به سطح مطلوب در بردارنده هزینه است و تنها بخشی از تعدیل در طول مدت مورد نظر به دست می‌آید.^۷ امکان بروز این وقفه‌ها، مبین آن است که یک تغییر

1. Recognition Lags

2. Decision Lags

3. Delivery Lags

4. Replacement Lags

5. Production Lags

6. Stephen P. Magee, Price, Incomes and Foreign Trade in P.B. Kenen (ed) (1975). *International Trade and Finance*, Cambridge, Cambridge University Press.7. Zvi Grilliches (1967). Distributed Lags: Survey, *Econometrica*, Vol. 35, pp. 16-49.

در تعادل وارداتی در یک زمان، منجر به تغییر در واردات واقعی در همان زمان و چند دوره بعد از آن می‌گردد. بنابراین، واردات در یک زمان (در زمان t) بستگی به تعادل واردات در همان زمان و چند دوره زمانی پیش از آن دارد. به علاوه، واردات همچنین به وسیله عوامل ادواری که ممکن است از عوامل دایمی خیلی متفاوت باشند، تأثیر می‌پذیرد^۱ (برای مثال، نگاه کنید به: Ball, Eaton and Sleaver, 1966; Dunlevy, 1980; Marston, 1971; Haynes and Stone, 1983).

اما در این مطالعه، مابیشتر به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش هستیم که چگونه اقلام و گروههای اصلی کالاهای وارداتی در مورد تغییر در حجم محصولات صنعتی داخلی و ظرفیت وارداتی واکنش نشان می‌دهند. در این مطالعه، به علت عدم دسترسی به متغیرهای دیگری، از قبیل ذخیره‌های ارزی، طلا و کمکهای خارجی و مانند اینها، دریافتهای ارزی حاصل از صادرات نفت به عنوان تقریبی از ظرفیت وارداتی در نظر گرفته شده است. همچنین در مدل مورد محاسبه ما، شاخص حجم واردات هرگروه از اقلام کالاهای وارداتی به صورت تابعی از شاخص محصولات صنعتی و ظرفیت وارداتی با یک سال وقفه زمانی معین گردیده‌اند. از آنجا که ظرفیت وارداتی حجم واردات را تعیین می‌کند، می‌توان آن را به عنوان یک متغیر سیاستگذاری در نظر گرفت. با در نظر گرفتن تأثیر تغییر در سیاست کنترل واردات، فرض می‌کنیم که افزایش در ظرفیت واردات بر سیاست محدود نمودن واردات که به علت تقویت تولید داخلی انجام می‌گیرد، تأثیر معکوس می‌گذارد، به طوری که این افزایش در توان و ظرفیت واردات، نه تنها کل واردات، بلکه همچنین هرگروه از اقلام واردات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است باعث افزایش واردات بیشتر بعضی از کالاها نسبت به سایر اقلام وارداتی گردد. به همین ترتیب، کاهش در ظرفیت وارداتی می‌تواند تأثیر معکوس داشته باشد. به همین دلیل است که ما ظرفیت واردات را به منزله یکی از متغیرهای توضیح دهنده در نظر گرفته‌ایم. به بیان دیگر، این متغیر، از طریق تأثیر آن بر اقلام واردات، تأثیر تغییر سیاستگذاری بلندمدت را که گاهی اتفاق می‌افتد، در محاسبه منظور می‌نماید. بنابراین، از این طریق می‌توان نقشی را که سیاست تجاری در تعیین روند تولید و واردات صنعتی ایفا می‌کند، تأیید نمود.

تأثیر ظرفیت واردات بر هرگروه از اقلام وارداتی مثبت در نظر گرفته می‌شود، در حالی که تأثیر

1. Stephen P. Magge, op.cit; M.S. Khan and Kundz. Ross (1975). *Cyclical and Secular Income Elasticity*, Vol. 57, pp. 357-61.

تولید صنعتی بر روی واردات می‌تواند مثبت یا منفی باشد که البته بستگی به آن دارد که آیا روابط تعیین‌کننده آنها مستقیم یا معکوس باشد. رابطه منفی می‌تواند گویای اهمیت و نقش جایگزینی واردات باشد، اما رابطه مثبت می‌تواند گویای اهمیت راهبردی اقلام واردات در تولیدات صنعتی باشد. ما همچنین برای بیان توضیحات و دلایل احتمالی دیگر واردات، از تابع استاندارد تقاضای واردات استفاده نمودیم. اختلاف بین قیمت‌های بومی و قیمت واردات بدون تعرفه اقلام وارداتی بر درجه و میزان حمایت از تولیدات صنعتی داخلی اقلام مشابه دلالت دارد. با فرض ثابت ماندن شرایط دیگر، هر قدر که درجه حمایت، یعنی نسبت قیمت‌های بین‌المللی به قیمت‌های داخلی افزایش یابد، جایگزینی واردات، و بنابراین واردات اقلام مشابه ممکن است کاهش یابد. اما یک افزایش در واردات همراه با درجه بالاتری از حمایت بر آن دلالت می‌کند که جایگزینی واردات بیشتر، در بلندمدت، نیاز به واردات را افزایش می‌دهند. به سخن دیگر، اقتصاد هنوز به مرحله نهایی جایگزینی واردات نرسیده است. مرحله‌ای که در آن وابستگی کشور به واردات برای رشد کاهش یافته باشد یا ممکن است که بر آن دلالت کند که حمایت بدون تحکیم زیرساخت‌های اقتصادی و اتخاذ سیاست تجاری مناسب با نیاز اقتصاد ملی به تنهایی رویکرد قابل اطمینان و لازم برای خوداتکایی نیست. اما برای تخمین رابطه فوق، به جای استفاده از معادله خطی، از معادله لگاریتم خطی استفاده کرده‌ایم، زیرا مطالعات بسیاری، از قبیل سالاس (Salas, 1988)، بوی‌لان، کودی و عمر چار تلیق (Boylon, Cuddy and Omar Chartlaigh, 1980, pp. 561-66)، خان (Khan, 1977) و سرمد (Sarmad, 1988) نشان داده‌اند که این شکل معادله نسبت به سایر مدلها ارجحیت دارد. در نهایت، معادله‌های مورد نظر ما به صورت زیر تعیین می‌گردد.

$$\text{Log } M_t = a + b \text{ Log } Mc_{t-1} + c \text{ Log } Q_t + U_t \quad (2)$$

$$\text{Log } M_t = a + b_1 \text{ Log } Y_t + c_1 \text{ Log } \left[\frac{P_t^m}{P_t^d} \right] + U_t \quad (3)$$

جایی که M_t سطح واردات واقعی، Mc_{t-1} ظرفیت واردات، Q_t شاخص کل تولیدات صنعتی، Y_t درآمد واقعی یا محصول ناخالص داخلی واقعی، P_t^m شاخص قیمت واردات و P_t^d شاخص قیمت‌های داخل می‌باشد.

در معادله (۴)، (a) مقدار ثابت، (b) کشش پذیری تقاضای واردات نسبت به تغییر ظرفیت وارداتی و (c) کشش تقاضای وارداتی نسبت به تغییرات تولیدات صنعتی برای واردات و U_i خطای معیار است که فرض می‌شود امید ریاضی آن صفر و دارای توزیع بهنجار (نرمال) باشد.

$$U_i = \text{NID}(0, \sigma^2 u) \quad \text{یعنی}$$

در معادله (۵)، b_1 کشش پذیری تقاضای واردات نسبت به رشد درآمد، c_1 کشش منحنی تقاضای واردات، a_0 مقدار ثابت و U_i خطای معیار مثل سابق هستند. از آنجا که گفته شده است که کشش پذیری تخمین زده در تابع واردات تقاضای کل، به علت خطای ترکیب^۱ محاسبه و جمع کردن کل تقاضای واردات، میل به صفر شدن دارد، بنابراین، برآورد ضریب کششهای معادله تقاضا برای واردات کل کالاهای وارداتی، بر تلاش ما برای تعیین اثر مقداری معیارهای سیاستگذاری بر حجم تجارت و رفاه اقتصادی محدودیت ایجاد می‌نماید، و در نتیجه، تخمین معادله تقاضای واردات با جزئیات بیشتر کالاهای پیشنهاد شده است.^۲ به همین جهت، ما معادله تقاضای واردات را برای چند گروه از کالاهای وارداتی برای تعیین مقدار کمی اثر تغییر سیاست واردات و میزان وابستگی وارداتی در سطوح مختلف و گروههای متفاوت کالاهای داخل تخمین زده‌ایم.

مقدار واردات یک گروه خاص از کالاها در نتیجه روی (۱) نسبت قیمت واردات به قیمت داخلی همان کالا و (۲) یک متغیر مربوط به تقاضای داخل یا متغیر مربوط به فعالیتهای اقتصادی رگرس شده است. در فرایند تخمین ما از شاخص داخلی تولیدات صنعتی در تابع تقاضای وارداتی مواد خام (۲ SITC) و روغنهای حیوانی و گیاهی (۴ SITC) و سطح تشکیل سرمایه ناخالص در ماشین آلات و ابزار و وسایل و تجهیزات ماشینی (۷ SITC) به عنوان متغیر جانشین برای فعالیتهای اقتصادی انتخاب گردیدند. علت آن هم این است که این متغیرها امکان تأثیرگذاری بیشتری بر تقاضای واردات در مقایسه با سطح درآمد دارد. برای سایر گروهها، سطح درآمد واقعی به عنوان یک متغیر جانشین خوب برای فعالیتهای اقتصادی انتخاب گردیده است. در مورد متغیر قیمتهای

1. Guy H. Orcutt (May 1980), Measurement of Price Elasticities in International Trade. *The Review of Economics and Statistics*.

2. S.E. Leamer; and R.M. Stern. *op.cit.*

نسبی، وقتی که شاخص قیمت‌های داخلی ارزش هر واحد وارداتی از همان کالا در دسترس نبود، ما از شاخص قیمت کالای نزدیک به آن استفاده کردیم، بنابراین، معادله ما به شکل زیر محاسبه گردیده است.

$$\text{Log } M_{it} = a_0 + a_1 \text{ Log } M_{i,t-1} + a_2 \text{ Log } Q_{it} + U \quad (۴)$$

$$\text{Log } M_{it} = B_0 + B_1 \text{ Log } Y_{it} + B_2 \text{ Log } (P_{it}^m / P_{it}^d) + U \quad (۵)$$

جایی که M_{it} واردات واقعی گروه i -ام، Y_{it} سطح درآمد یا شاخص تولیدات صنعتی یا تشکیل سرمایه واقعی ناخالص در هر جا که لازم باشد، P_{it}^m سطح شاخص قیمت واردات کالای i ، P_{it}^d سطح شاخص قیمت‌های داخلی کالای i ، و U خطای استاندارد و پسماند است، تمام متغیرها برای زمان t محاسبه گردیده‌اند.

با اضافه کردن متغیر روند زمانی در معادله فوق، همچنین می‌توانیم مؤثر بودن سیاست جایگزینی واردات را بر حسب جایگزینی واردات در طول زمان مورد ارزیابی قرار دهیم، یعنی با در نظر گرفتن سطح قیمت‌ها و مقدار درآمد تغییر در تقاضای واردات مبین عملکرد راهبرد جایگزینی واردات خواهد بود. بنابراین، معادله تقاضای وارداتی ما به شکل زیر تغییر می‌نماید.

$$\text{Log } M_{it} = \text{Log } B_0 + B_1 \text{ Log } Y_{it} + B_2 \text{ Log } (P_{it}^m / P_{it}^d) + B_3 t + U \quad (۶)$$

در اینجا، اگر علامت ضریب واردات B_3 منفی باشد، گویای موفقیت راهبرد جایگزینی واردات است، و اگر مثبت باشد، مبین وابستگی بیشتر به واردات خواهد بود. علاوه بر این معادلات، کوشیده‌ایم تا مشخص کنیم که در سیاست تجاری کشور ایران در سال‌های پس از انقلاب، نسبت به سال‌های قبل از آن، چه تغییری صورت گرفته است و همچنین این مسئله بازنگری شود که تا چه حد ظرفیت وارداتی ناشی از افزایش درآمد نفت بر سیاست وارداتی تأثیر گذاشته است. به

این سبب، یک متغیر مجازی را به معادله خود اضافه کردیم، در نتیجه، شکل نهایی معادله ما به صورت زیر درمی آید:

$$\text{Log } M_{it} = d_0 + d_1 \text{ Log } Mc_{it-1} + d_2 \text{ Log } Q_{it} + d_3 (D_{it}) + U_{it} \quad (7)$$

در معادله فوق، D_{it} متغیر کمکی است و ارزش آن برای سالهای پیش از انقلاب (تا سال ۱۳۵۸) صفر و برای تمام سالهای پس از آن یک در نظر گرفته شده است. در اینجا، d_1 ضریب کشش تقاضا برای واردات نسبت به ظرفیت وارداتی، d_2 ضریب کشش تقاضا برای واردات نسبت به حجم تولیدات صنعتی و d_3 ضریب متغیرهای کمکی دامی است. اطلاعات و آمارها را از نشریات مختلف مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (سالنامه آماری، ایران در آینه آمار، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی کشور) و آمار تجارت خارجی از سالنامه آماری تجارت خارجی و از نشریات دیگر گمرک جمهوری اسلامی ایران، گزارشهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نشریات انکتاد و سازمان ملل و صندوق بین المللی پول اخذ کرده ایم. این مطالعه، براساس ارقام آماری یک دوره ۱۸ ساله، از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۶، محاسبه گردیده است.

۳. یافته‌ها

نتایج مربوط به ضریبهای واردات معادله فوق در جدولهای ۲ و ۳ آمده است. از مطالعه این جدولها در مورد طبقات و گروههای اقلام وارداتی و واردات صنعتی، می توان موارد زیر را بیان نمود.

(۱) ضریب تشخیص (R^2) برای توابع تقاضای واردات اقلام وابسته به تولیدات صنعتی و ظرفیت وارداتی در بیشتر موارد بالاست، به استثنای سوختهای معدنی و مشتقات آنها که البته کاملاً قابل درک است، زیرا ایران خود یک صادرکننده بزرگ نفت در دنیاست، بنابراین، رفتار و عملکرد وارداتی سوخت نمی تواند با سطح توسعه صنعتی یا ظرفیت وارداتی آن تشریح گردد (نگاه کنید به جدول ۲).

(۲) ضریب کشش تقاضای واردات نسبت به ظرفیت واردات مثبت و در تمام موارد (به استثنای سوختهای معدنی) معنی دار است که نشاندهنده آن است که بهبود در ظرفیت وارداتی، منجر به افزایش در مقدار واردات می گردد. به علاوه، به روشنی نشان می دهد که یک تغییر در

ظرفیت واردات، نه تنها کل واردات، بلکه همچنین واردات هر یک از گروه‌های کالاهای وارداتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نتایج، فرضیه ما، مبنی بر اینکه یک افزایش در ظرفیت واردات، ممکن است منجر به آزادسازی واردات گردد، و یک کاهش در ظرفیت وارداتی، ممکن است نتیجه متفاوتی را ارائه نماید، تأیید می‌کند (جدول ۳).

جدول ۲. تخمین تعیین‌کننده‌های واردات ایران، سالهای ۱۳۴۹-۱۳۶۶

F	R ^۲	متغیر کمکی		صادرات با یک		گروه کالا
		دامی	تولیدات صنعتی	سال وقفه زمانی	تولیدات صنعتی	
۲۰/۷۸۰۲	۰/۵۹۴۴		-۱/۰۱۳۵ **	۲/۰۲۲۵ **		مواد غذایی و حیوانات زنده
			(۲/۲۷۷۵)	(۵/۴۷۴۹) *		
۲۴/۱۶۱۴	۰/۷۲۰۱	۱/۶۵۸۰	۰/۵۱۳۹	-۰/۱۴۷۸		
		(۴/۴۵۱۰)	(۱/۶۵۵۱)	(۱/۷۹۱۰)		
۷/۵۴۷۱	۰/۳۲۶۶		-۶/۰۷۰۲ **	۶/۶۷۷۱ **		نوشیدنیها و تنباکو
			(۳/۲۱۶۰)	(۳/۸۷۸۶)		
۲۸/۷۲۳۲	۰/۷۵۵۱	۰/۹۹۴۲	۰/۲۹۵۸	۰/۵۹۰۴		
		(۱/۳۹۴۱)	(۱/۶۵۵۱)	(۱/۷۹۱۰)		
۷۹/۰۴۰۱	۰/۸۵۲۵		۰/۰۹۴۴	۰/۹۸۳۵ **		مواد خام
			(۰/۵۷۲۲)	(۷/۱۸۱۹)		
۲۳/۳۷۴۱	۰/۷۱۳۱	۱۰/۵۴۱۰ **	۲/۸۶۳۰ **	-۲/۴۶۸۱ **		
		(۵/۸۰۵۱)	(۵/۶۱۹۱)	(۲/۶۱۱۴)		
۰/۷۱۷۰	۰/۰۱۰۲		۰/۲۹۴۴	۰/۴۸۳۶		سوخت
			(۰/۲۳۷۹)	(۰/۴۷۰۸)		
۸۵/۵۱۱۲	۰/۹۰۳۸	۰/۵۱۵۹	۰/۱۹۵۵	۰/۵۵۳۶ **		
		(۱/۴۳۶۹)	(۱/۷۲۹۸)	(۴/۴۲۰۴)		
۱۶/۳۱۳۷	۰/۵۳۱۵		-۰/۳۴۵۵	۱/۶۳۳۶ **		روغن حیوانی و گیاهی
			(۰/۷۰۳۰)	(۴/۴۰۰۴۵)		

۱۱۲/۸۲۴۱	۰/۹۲۸۷	-۰/۳۰۳۲	-۰/۱۶۶۶	۱/۰۱۶۴	
		(۰/۷۱۷۱)	(۱/۱۲۹۷)	(۹/۳۷۵۹)	
۳۲/۰۷۲۵	۰/۶۹۷۱		-۰/۵۲۰۲	۱/۱۱۱۲**	صنایع شیمیایی
			(۰/۰۷۴۳)	(۴/۹۲۸۱)	
۲۴/۸۸۶۱	۰/۷۲۶۱	-۰/۲۱۳۷	۰/۱۵۸۸	۰/۷۰۹۱*	
			(۰/۷۱۲۳)	(۲/۳۵۶۱)	
۵۱/۶۷۴۳	۰/۷۸۹۶		۰/۰۶۷۹	۱/۱۴۵۵**	ماشین آلات و
			(۰/۲۹۲۷)	(۵/۹۴۵۷)	وسایط حمل و نقل
۵۷/۱۷۲۱	۰/۷۹۲۰	۰/۴۵۵۵	۰/۳۳۱۲*	۰/۶۵۷۹**	
		(۱/۰۱۴۸)	(۲/۴۳۶۲)	(۳/۸۳۶۳)	
۷۷/۷۲۸۴	۰/۸۸۰۴		-۰/۰۹۷۴	۱/۲۰۸۶**	سایر کالاهای صنعتی
			(۰/۴۸۱۱)	(۷/۱۹۲۸)	
۷۹/۸۹۹۹	۰/۸۸۹۲	۰/۶۵۳۱	۰/۳۱۲۳*	۰/۳۵۷۹	
		(۱/۰۷۶)	(۲/۴۳۱۰)	(۱/۷۱۴۵)	
۵/۲۵۱۲	۰/۲۳۹۵		-۶/۲۸۰۳**	۴/۸۰۹۵**	کالاهای طبقه بندی
			(۳/۱۷۰۶)	(۲/۹۲۵۰)	نشده
۵۷/۷۹۱۱	۰/۸۶۴۳	۰/۷۵۳۵	۰/۳۷۰۸*	۰/۶۷۴۳**	
		(۱/۵۳۹۵)	(۲/۶۰۳۱)	(۳/۱۰۹۵)	

* ارقام داخل دو کمان، اعداد (t) هستند.

* معنی دارد در سطح ۹۵ درصد.

** معنی دارد در سطح ۹۹ درصد.

مآخذ آمار: نشریات مختلف مرکز آمار، گمرک جمهوری اسلامی ایران و گزارشهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳) ضریبهای وارداتی نسبت به تولیدات صنعتی در تمام گروه کالاها منفی است، به استثنای ماشین آلات و ابزار، سوخت و مواد خام. اما ضریبها تنها برای اقلام مواد غذایی، نوشیدنیها و تنباکو و کالاهای طبقه بندی نشده، معنی دار است. این یافته‌ها، نشاندهنده توان نسبی جایگزینی واردات در این گروه کالاهاست و عملکرد ضعیف جایگزینی واردات در سایر گروههاست. به بیان دیگر،

این نتایج، منعکس کننده اهمیت راهبردی واردات کالاهای سرمایه‌ای، از قبیل ماشین‌آلات و تجهیزات برای رشد و توسعه صنایع داخلی است.

(۴) به استثنای معادله مربوط به مواد خام، با افزودن متغیر کمکی شاخص R^2 و نسبت F افزایش چشمگیری نشان می‌دهد. ضریبهای متغیر کمکی معادله گروه کالاهای واردات مثبت است، به استثنای روغنهای گیاهی و حیوانی و چربیها و مواد شیمیایی. اما به استثنای مواد غذایی و حیوانات زنده و مواد خام، ضریبها معنی دار نیستند (جدول ۳).

جدول ۳. تعیین کننده‌های واردات صنعتی ایران، سالهای ۱۳۴۵-۱۳۶۷

R^2	F	صادرات نفت با		
		متغیر دامی	وقفه زمانی یکساله	شاخه‌های صنعتی تولیدات صنایع
۰/۵۲۴۳	۱۵/۶۴۰۰	۰/۶۴۸۱ **	۰/۱۹۷۱	صنایع مواد غذایی، نوشیدنیها و دخانیات* (۱/۷۰۶۹)
۰/۷۲۰۰	۲۴/۱۶۰۰	۱/۶۵۸۰ **	۰/۵۱۳۹ **	-۰/۱۴۷۸ (۰/۷۰۴۱)
		(۴/۵۴۱۲)	(۴/۴۸۹۰)	صنایع نساجی، پوشاک و چرم
۰/۷۵۵۱	۲۸/۷۲۱۱	۰/۹۹۴۲	۰/۲۹۵۸	۰/۵۹۰۴ (۱/۷۹۱۰)
	۰/۳۳۸۰	۷/۸۸۹۰	۲/۲۹۳۴ *	۱/۲۳۷۷ (۱/۹۱۴۰)
۰/۷۱۳۷	۲۳/۳۷۱۱	۱۰/۵۴۱۱ **	۲/۸۶۳۱ **	۲/۴۶۸۱ ** (۲/۶۱۹۱)
۰/۸۹۹۰	۱۲۲/۰۰۰	(۵/۸۰۵۱)	(۵/۶۱۹۱)	کاغذ، مقوا و چاپ
۰/۹۰۳۸	۸۵/۵۱۰۰	۰/۵۱۵۹	۰/۱۹۵۵	۰/۵۵۳۶ ** (۴/۴۲۰۴)
		(۱/۴۳۶۹)	(۱/۷۲۹۸)	

۰/۹۲۸۹	۱۹۲/۳۲۰۰		۰/۹۲۵۴ **	-۰/۰۷۹۶	صنایع شیمیایی
			(۱۷/۴۱۴)	(۰/۹۶۰۳)	
۰/۹۲۶۰	۱۱۲/۸۲۴۰	-۰/۳۰۲۳	-۰/۱۶۶۴	۱/۰۱۶۴ **	
		(۰/۷۱۷۱)	(۱/۱۲۹۷)	(۹/۳۷۵۹)	
۰/۷۳۶۹	۳۸/۷۸۰۰		۰/۶۴۰۱ **	-۰/۲۰۴۰	محصولات معدنی
			(۹/۹۷۴۰)	(۱/۷۷۲)	غیر فلزی، به غیر از
۰/۷۲۶۱	۲۴/۸۸۶۱	-۰/۲۱۳۷	۰/۱۵۸۸	۰/۷۰۹۱ **	نفت، زغال سنگ
		(۰/۲۳۸۳)	(۰/۷۱۲۳)	(۲/۳۵۶۱)	و مشتقات آنها
۰/۹۲۸۰	۱۶۲/۳۵۶۰		۰/۷۵۳۴ **	۰/۰۶۶۰	صنایع فلزات
			(۱۵/۹۶۶۱)	(۰/۷۰۸۰)	اساسی
۰/۹۲۵۷	۱۱۳/۱۶۱۱	۰/۵۱۶۶	۰/۲۱۹۹	۰/۹۳۴۶ **	
		(۱/۴۰۸۷)	(۱/۵۴۴۱)	(۶/۵۹۵۷)	
۰/۸۸۱۷	۸۵/۱۳۲۸		۰/۷۹۱۷ **	-۰/۲۲۷۷ *	ماشین آلات،
			(۱۱/۵۸۸)	(۲/۵۳۲)	تجهیزات و
۰/۸۸۱۱	۵۷/۱۷۱۱	۰/۴۵۵۵	۰/۳۳۱۲ **	۰/۶۵۷۹ **	محصولات کارخانه‌ای
		(۱/۰۱۴۸)	(۲/۴۳۶۲)	(۳/۸۳۶۳)	
۰/۱۰۱۱	۰/۸۸۹۶		۰/۰۹۸۴	-۰/۰۵۵۴	صنایع دیگر
			(۰/۶۰۷۵)	(۱/۷۱۴۰)	
۰/۱۱۲۱	۱/۲۱۴۱	۰/۶۵۳۱	۰/۳۱۲۳ *	۰/۳۵۷۹	
		(۱/۰۶۷۱)	(۲/۴۳۱۱)	(۱/۷۱۴۰)	
۰/۸۵۶۱	۸۱/۰۶۲۱		۰/۹۸۲۶ **	-۲۰۲۳ *	واردات کل صنایع
			(۱۱/۵۱۲۱)	(۲/۱۶۰۵)	
۰/۸۶۳۶	۵۷/۷۹۱۱	۰/۷۵۳۵	۰/۳۷۰۸ *	۰/۶۷۴۳ **	
		(۱/۵۳۹۵)	(۲/۶۰۳۱)	(۳/۱۰۹۵)	

* ارقام داخل دو کمان، اعداد (t) هستند.

* معنی دارد در سطح ۹۵ درصد.

** معنی دارد در سطح ۹۹ درصد.

مآخذ آمار: نشریات تجارت خارجی گمرک جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات کارگاههای بزرگ صنعتی، نشریات مختلف مرکز آمار ایران، و گزارشهای مختلف بانک مرکزی ایران.

۵) ضریبهای معادله‌های تقاضای واردات برای کالاهای صنعتی و گروههای مختلف صنعتی در جدول ۴ آمده است. همان طوری که از جدول پیداست، کشش تقاضای واردات نسبت به تولیدات صنعتی منفی، اما نسبت به صادرات نفت مثبت است. این رابطه همچنین در مورد گروههای مختلف صنایع صادق است. برای مثال، ضریب کشش تقاضا برای واردات نسبت به تولیدات صنعتی برای تمام گروهها به استثنای مواد غذایی، نوشیدنیها، تنباکو، چوب و محصولات چوبی، فلزات اساسی منفی است. اما تنها ضریبهای ماشین‌آلات و تجهیزات معنی‌دار است. این یافته‌ها نیز ملاحظات قبلی ما مبنی بر اینکه جایگزینی واردات در کالاهای صنعتی صورت گرفته را مورد تأیید قرار می‌دهد. این نتیجه، خاصه در صنایع سرمایه‌ای قوی است. در مورد ظرفیت واردات، ضریبهای تخمین ما برای تمام کالاهای وارداتی مثبت است و از نظر آماری به استثنای صنایع مشمول طبقه صنایع متفرقه در سایر موارد معنی‌دار است. این نکته، بر آن دلالت می‌کند که وجود ارزش خارجی مستقیماً بر سیاست آزادسازی تجاری تأثیر گذاشته است. همچنین ضریبهای کمکی نشان می‌دهد که تغییر معنی‌داری در الگوی واردات در دوره پس از انقلاب نسبت به دوره پیش از انقلاب دیده نمی‌شود، به استثنای تغییر در مواد غذایی نوشیدنیها، دخانیات، چوب و محصولات چوبی که برای آنها ضریبها مثبت و معنی‌دار است. این یافته‌ها، بر آن دلالت دارند که همان متغیرهای توضیح دهنده در تعیین سطح و الگوی واردات ایران، حتی پس از انقلاب نیز فعال بوده‌اند.

۶) تخمین معادله‌های تقاضای استاندارد در جدول ۴ ارائه شده است که نشان می‌دهد که ضریبهای کشش درآمدی تقاضا برای واردات در تمام موارد، به استثنای معادله‌های مربوط به گروههای مواد غذایی، نوشیدنیها و دخانیات، چوب و محصولات چوبی مثبت می‌باشد. اما این کشش واردات نسبت به قیمت‌های نسبی، به استثنای مواد معدنی غیرفلزی، فلزات اساسی، ماشین‌آلات و وسایط حمل و نقل و صنایعی که در گروه صنایع متفرقه قرار دارند، در سایر موارد منفی است، اما این ضریبها، به غیر از ضریبهای مربوط به ماشین‌آلات و وسایط حمل و نقل و فلزات اساسی در سایر موارد معنی‌دار نیستند. این یافته‌ها، بر آن دلالت دارد که راهبرد جایگزینی واردات در مراحل بعدی توسعه خود واردات کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای، از قبیل ماشین‌آلات و فلزات اساسی را افزایش داده است. به سخن دیگر، اقتصاد هنوز به مرحله آخر جایگزینی واردات نرسیده است تا نیاز به واردات را کاهش دهد.

جدول 4. تخمین تابع تقاضای استاندارد برای واردات صنعتی ایران، سالهای ۱۳۴۹-۱۳۶۶

نسبت F	R ²	زمان	محصول ناخالص		کالا
			نسبی	واقعی سرانه	
۲۳/۲۱۱۹	۰/۵۵۷۸		-۰/۱۴۱۲ (۱/۱۴۱۲)	-۳/۴۵۳۱ ** (۲/۹۵۸۹) *	مواد غذایی، نوشابه‌ها و تنباکو
۲۵/۲۱۲	۰/۵۹۹۴	۰/۹۱۲۷ ** (۴/۳۲۱۱)	۱/۱۷۱۲ (-۲/۷۱۴)	-۲/۵۹۴۱ * (۲/۸۵۱۹)	نساجی، پوشاک چرم و پوست
۲۹/۷۸۵۷	۰/۷۶۹۷	-۰/۴۳۲۱ (۰/۷۴۲۱)	-۳/۰۱۱۲ (۰/۸۴۲۱)	۱/۷۴۲۵ (۰/۸۵۴۱)	
۶/۹۴۳۲	۰/۳۰۷۱		-۰/۶۱۴۱ (۰/۷۳۲۱)	-۰/۵۷۶۵ (۰/۴۳۲۱)	چوب و محصولات چوبی
۷/۹۹۱۹	۰/۴۱۱۹	۰/۱۷۴۱ (۰/۱۹۴۱)	-۰/۶۷۴۱ (۰/۷۵۲۱)	۰/۳۷۴۱ (۰/۷۷۵۹)	
۷۸/۱۴۷۲	۰/۸۴۳۲		-۰/۱۴۷۷ (۰/۹۱۴۱)	۲/۳۱۱۴ (۲/۱۳۲۱)	کاغذ و محصولات کاغذی
۸۵/۱۷۲۱	۰/۹۴۳۲	-۱/۳۱۷۷ * (۲/۷۵۶۲)	-۰/۰۱۷۴ (۰/۹۹۷۵)	۲/۴۹۱۴ (۱/۱۷۴۱)	
۲۴/۱۱۲۱	۰/۷۴۲۱		-۰/۱۴۷۲ (۱/۲۷۴۱)	۰/۴۳۱۷ (۱/۷۲۱)	صنایع شیمیایی ودارویی
۲۶/۱۷۱۹	۰/۷۷۸۸	-۲/۱۶۵۴ (۱/۱۹۶۵)	-۰/۱۹۲۱ (۱/۲۷۵۱)	۰/۷۷۹۵ (۱/۶۵۴۱)	
۲۶/۱۷۲۹	۰/۷۴۲۱		۰/۱۷۴۱ (۰/۹۱۹۹)	۱/۷۳۲۱ (۲/۱۷۱۴)	مواد معدنی غیر فلزی

۲۸/۱۷۹۱	۰/۷۸۴۱	-۲/۲۴۳۵ *	-۰/۱۹۷۵	۱/۷۷۴۳ *	
		(۲/۷۴۲۱)	(۱/۱۲۲۱)	(۲/۷۵۹۱)	
۸۰/۰۱۰۱	۰/۸۰۴۵		۱/۲۱۲۹ *	۲/۷۱۴۱ *	صنایع فلزات
			(۲/۴۷۴۱)	(۲/۴۳۲۱)	اساسی
۹۵/۴۷۴۵	۰/۹۱۲۱	-۱/۲۷۲۱	۲/۹۷۵۱ **	۳/۷۵۴۱ *	
		(۱/۱۷۲۱)	(۳/۴۱۲۷)	(۲/۷۵۴۱)	
			۲/۲۷۴۳ **	۳/۴۴۷۱ **	ماشین آلات،
			(۳/۷۴۲۱)	(۳/۰۱۴۱)	تجهیزات و
۸۲/۲۹۴۹	۰/۸۶۴۷	-۲/۱۹۴۲	۳/۱۷۹۹ **	۳۱۷۹۵۱ **	وسایط حمل و نقل
		(۱/۱۷۹۵)	(۳/۲۵۴۱)	(۴/۳۲۱۱)	
۰/۷۴۲۱	۰/۴۳۲۷		۱/۱۱۹۷	۱/۲۱۱۰ *	صنایع متفرقه
			(۱/۱۷۴۱)	(۲/۲۱۴۱)	
۰/۷۴۲۱	۰/۴۲۱۱	-۰/۱۷۴۹	۱/۰۱۹۹	۱/۰۹۹۴ **	
		(۰/۱۹۹۹)	(۱/۷۷۵۱)	(۳/۳۷۲۱)	
			-۱/۰۹۹۷	۲/۷۶۹۴ *	کل کالاهای صنعتی
			(۱/۰۱۰۱)	(۲/۹۴۲۱)	
۲۵/۹۹۱۷	۰/۶۲۹۵	-۴/۱۷۴۱ **	-۱/۲۱۲۱	۲/۰۱۱۱ **	
		(۳/۱۹۲۷)	(۲/۰۱۰۲)	(۳/۱۷۴۱)	

* ارقام داخل دو کمان اعداد (t) هستند.

** معنی دارد در سطح ۹۹ درصد.

* معنی دارد در سطح ۹۵ درصد.

مآخذ آمار: گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران در سالهای مختلف، مرکز آمار ایران، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی سالهای مختلف و گزارشهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

برای ارزیابی عملکرد جایگزینی واردات، متغیر زمان را در معادله تقاضای وارداتی استاندارد وارد کرده ایم. ضریبها برای متغیر زمان برای تمام گروه کالاهای وارداتی، به غیر از مواد غذایی، نوشیدنیها، تنباکو، چوب و محصولات چوبی، منفی است. اما به غیر از مواد غذایی، نوشیدنیها و تنباکو، کاغذ و محصولات چوبی و مواد معدنی غیر فلزی ضریبها معنی دار نیست. بنابراین، در حالی که این یافته ها نتیجه گیری قبلی ما را تأیید می کنند، بر آن دلالت دارند که اگرچه کشور قادر به کاهش وابستگی واردات کالاهای صنعتی سبک و کالاهای مصرفی گردید، اما وابستگی آن به واردات کالاهای سرمایه ای، از قبیل ماشین آلات و وسایط حمل و نقل و کالاهای واسطه ای، از قبیل فلزات اساسی در فرایند صنعتی شدن کاهش چندانی نیافته است که بر آن دلالت دارد که نظام حمایتی اگر بر اساس معیارهای توسعه ای و تحکیم ساختار تولید و اصلاح ساختار اقتصاد استوار نباشد، به خودی خود، رویکرد قابل اطمینانی برای خود اتکایی نیست.



منابع

- Ahmad, J. (1976). Import-Substitution and Growth of Exports: an Econometric Test, *Review of Economique*, Vol. 27, No. 2, pp. 309-18.
- Ahmad, J. (1978). Import-Substitution - A Survey of Policy Issues, *The Developing Economies*, Vol. 16, No. 51-4, pp. 325-73.
- Basudeb Biswas and Rati Ram (1980). Demand Function for India's Foodgrains Imports: Some Elasticity Estimates, *The Indian Economic Journal*, Vol. 27, No. 4, pp. 12-19.
- Ball, R.J., J.R. Eaton and H.D. Steaur (1966). The Relationship Between United Kingdom Export performance in Manufacturing and the Internal Pressure of Demand, *Economic Journal*, Vol. 46, pp. 501-18.
- Boylan, T.A., M.P Cuddy and I.O. Murichertliagh (1980). The Functional Form of the Aggregate Import-Demand Equation, *Journal of Development Economics*, Vol. 10, pp. 561-66.
- Chenary H.B. and A.M. Strout (1966). Foreign Assistance and Economic Development, *American Economic Review*, Vol. 56, pp. 679-793.
- Dutta, M. (1965). Measuring the Role of Price in International Trade: Some Further Tests. *Econometrica*, Vol. 33, pp. 600-07.
- Dunlevy, James. A. (1980). A Test of the Capacity Pressure Hypothesis Within a Simultaneous Equations Model of Export Performance, *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 62, pp. 131-35.
- Edward. E. Leamer and Robert M.Stern (1970). *Quantitative International Economics*, Boston, Allyn and Bacon.
- Houthakkar. H.S, E. Stephen and Joe A. Stone (1983). Secular and Cyclical Response to U.S.Trade to Income: An Evaluation of Traditional Model, *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 65, pp. 87-9.

- Haynes E. Stephen and Joe A. Stone (1983). Secular and Cyclical Response to U.S. Trade to Income. An Evaluation of Traditional Model, *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 65, pp. 86-95.
- Leamer.E. Edward and Robert M. Stern (1970). *Quantitative International Economics*, Boston, Allyn and Bacon.
- Khan, M.S. (1974). Import and Export Demand in Developing Countries, *IMF. Staff Paper*, Vol. 21, pp. 878-93.
- Marwah. K. (1972). An Econometric Model of India: Estimating Prices, Their Role and Sources of Change, *Indian Economic Review*, April, pp. 53-91.
- Marston (1971). Income Effects and Delivery Lags in British Import Demand 1955-67, *Journal of International Economics*, Vol. 1, pp. 375-99
- Murti V.N. and V.K. Sastry (1951). Elasticities of Demand for Certain Indian Imports and Exports, *Sankhya*, December.
- Maizels (1968). *Exports and Economic Growth of Developing Countries*, Cambridge.
- Narsimham, A. (1956). *Short Term Planning Model of India*, Amsterdam.
- Orcutt Guy, H. (1950). Measurement of Prices Elasticities in International Trade, *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 32, pp. 117-32.
- Peter Elkin (1985). An Extension of the Verdoon Law The Influence of Manufactured Imports on Manufacturing Productivity, UN, *Trade and Development*, New York No.6.
- Salehi, Isfahani, Dajavad (1988). Oil Export, Real Exchange Rate Appreciation and Demand for Imports in Nigeria, *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 36, No. 2, pp. 495-512.
- Yeusefi, Mohammadgholi (1994). *Industrialisation and Trade policies of OPEC Countries*, Deep and Deep Publisher, NewDelhi.
- Yousefi, Mohammadgholi (1995). The Impact of Oil Industry on the Economy of OPEC Countries: An Empirical Investigation, *Indian Economic Journal*, March.

جدول ۱. ترکیب تجاری ایران در طول سالهای ۱۳۴۴-۱۳۶۹

کالاهای صنعتی (۶۸- تا ۵۸)		مواد معدنی و فلزی (۲۷+۲۸+۶۸)		ساخت (۳)		محصولات کشاورزی (۲۸+۲۷+۲-)		مواد غذایی * (کدهای ۱+۰+۲۲+۴)		(کا)
صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات
۶۴/۹۰	۴/۴۰	۱۴/۱۴	۰/۷۹	۰/۲۳	۸۶/۷۲	۴/۵۸	۴/۶۵	۱۶/۵۵	۳/۴۲	۸۶/۰۰
۷۰/۰۹	۴/۰۳	۱۷/۴۱	۱/۲۰	۰/۲۰	۸۸/۶۲	۵/۶۶	۳/۵۷	۶/۵۵	۲/۵۷	۱۶۹/۰۰
۶۳/۴۴	۱/۱۸	۱۷/۳۱	۰/۲۵	۰/۱۵	۹۷/۰۴	۲/۸۳	۰/۹۷	۱۶/۲۵	۰/۵۵	۱۱۵۶/۰۰
۶۸/۰	۳/۶۷	۹/۵۳	۰/۱۶	۰/۸۱	۹۴/۷۳	۱/۴۰	۶/۱۰	۱۵/۶۸	۰/۰۱	۱۸۸۱/۰۰
۵۷/۹۰	۱/۲۲	۱۴/۷۰	۰/۲۰	۲/۱۰	۹۶/۸۳	۱/۷۰	۲/۶۰	۱۶/۲۰	۰/۰۱	۱۱۹/۰۰
۷۹/۳۰	۱۲/۵۰	۱/۷۰	۲/۵۰	۲/۳۰	۹۴/۵۰	۱/۹۰	۴/۰۰	۱۱/۴۰	۱/۰۹	۱۸۷۱/۰۰

به کدهای طبقه‌بندی بین‌المللی استاندارد (SITC) می‌باشند.

UNCTAD. Handbook of International Trade and Development Statistics

لانه و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~
~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی